

ارائه مدل ساختاری گرایش به روابط فرازنشویی بر اساس روابط آبزه با میانجیگری سبک‌های دلبستگی در افراد متأهل

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

خلاصه

مقدمه: با توجه به نقش روابط فرازنشویی در تخریب کانون خانواده و همچنین ایجاد آسیب‌های روان‌شناختی و هیجانی برای زوجین، شناسایی عوامل زیربنایی گرایش به این روابط حائز اهمیت است. بر این اساس هدف پژوهش حاضر، ارائه مدل ساختاری گرایش به روابط فرازنشویی بر اساس روابط آبزه با میانجیگری سبک‌های دلبستگی در افراد متأهل بود.

روش کار: پژوهش از نوع کاربردی و روش پژوهش همبستگی به شیوه مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل افراد متأهل (زن و مرد) ساکن در منطقه ۷ شهر تهران در سال ۱۴۰۲ بود که از میان آن‌ها ۲۸۰ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه گرایش به روابط فرازنشویی (TERQ)، پرسشنامه روابط آبزه (ORQ) و پرسشنامه سبک‌های دلبستگی (ASQ) بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری، به وسیله نرم‌افزار SPSS و Amos ویرایش ۲۳ صورت گرفت.

نتایج: نتایج نشان داد که مدل ساختاری پژوهش با داده‌های گردآوری شده برازش دارد. همچنین نتایج نشان داد روابط آبزه به صورت معنادار بر سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا و گرایش به روابط فرازنشویی افراد متأهل اثر دارد ($p=0/001$). علاوه بر این سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا نیز به صورت معنادار بر گرایش به روابط فرازنشویی افراد متأهل اثر دارد ($p=0/001$). در نهایت سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به صورت معنادار رابطه بین روابط آبزه و گرایش به روابط فرازنشویی در افراد متأهل را میانجیگری می‌کند ($p=0/001$).

نتیجه‌گیری: باتوجه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت روابط آبزه می‌تواند اثری معنادار بر شکل‌گیری روابط فرازنشویی داشته باشد، اما سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا علاوه بر اثر معنادار بر روابط فرازنشویی، قادر است نقش میانجی‌گری را نیز در رابطه بین متغیرهای این پژوهش ایفا نماید. بر این اساس تدوین و بکارگیری بسته آموزشی با محتوای آموزش‌های مبتنی بر دلبستگی می‌تواند در جهت کاهش گرایش به روابط فرازنشویی افراد متأهل موثر و مفید باشد.

کلمات کلیدی: روابط فرازنشویی، روابط آبزه، سبک‌های دلبستگی، افراد متأهل

شاهین شیبانی^۱

معصومه السادات ابطی^{۲*}

مهدی خاص محمدی^۳

^۱ کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، واحد علوم و تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ استادیار گروه مدرسه و نوآوری‌های تربیتی، واحد علوم و

تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار گروه مشاوره، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران.

Email: m.abtahi2030@gmail.com

مقدمه

روابط فرازنشویی^۱، به عنوان یکی از موضوعات حساس و بحث‌برانگیز در حوزه روابط انسانی، همواره توجه بسیاری از پژوهشگران، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده است (قیاسی و همکاران، ۲۰۲۴). این پدیده که به معنای برقراری روابط عاطفی یا جنسی خارج از چارچوب ازدواج است، می‌تواند پیامدهای عمیق و گاه ویرانگری بر روابط زنانشویی و ساختار خانواده داشته باشد. درک چرایی وقوع این روابط و پیامدهای آن نیازمند بررسی دقیق عوامل روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی است که بر رفتار انسان تأثیر می‌گذارند (تاجبخش، ۲۰۲۱). روابط فرازنشویی معمولاً به عنوان نقض تعهد زنانشویی تعریف می‌شود و اغلب با احساس خیانت، فقدان اعتماد و آسیب عاطفی همراه است. این روابط می‌تواند به صورت آشکار یا پنهان رخ دهند و بسته به فرهنگ و جامعه، به شکل‌های مختلفی تفسیر و قضاوت شوند (ایگنسبرگر و گرتمیر^۲، ۲۰۲۴). در برخی جوامع، روابط فرازنشویی به شدت محکوم می‌شوند و پیامدهای اجتماعی و قانونی جدی به دنبال دارند، در حالی که در برخی دیگر، این روابط ممکن است با تسامح بیشتری مواجه شوند. باین حال، در تمامی فرهنگ‌ها، این روابط اغلب به عنوان تهدیدی برای پایداری ازدواج و خانواده در نظر گرفته می‌شوند (دال‌آنیولا و تیو^۳، ۲۰۲۱). زوجینی که از رابطه خود رضایت کافی ندارند، ممکن است به دنبال جبران کمبودهای عاطفی یا جنسی خود در خارج از ازدواج باشند. این نارضایتی می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد، از جمله فقدان ارتباط مؤثر، کاهش صمیمیت، مشکلات جنسی، یا فشارهای زندگی روزمره (لی و لی^۴، ۲۰۲۰).

بسیاری از افراد در مواجهه با مشکلات ارتباطی زنانشویی، به جای تلاش برای حل آن‌ها در چارچوب رابطه زنانشویی، به دنبال راه‌حلی در خارج از این چارچوب می‌گردند. این رفتار

معمولاً به دلیل عدم مهارت در مدیریت تعارضات زنانشویی یا ناتوانی در بیان نیازها و انتظارات رخ می‌دهد. در برخی موارد، روابط فرازنشویی به عنوان راهی برای فرار از مشکلات زنانشویی یا کسب هیجان و تنوع در زندگی در نظر گرفته می‌شود. این افراد ممکن است به دنبال تجربه‌های جدید یا احساسات گمشده‌ای باشند که در رابطه زنانشویی خود پیدا نکرده‌اند (بی‌بی^۵ و همکاران، ۲۰۲۴). عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز نقش مهمی در بروز روابط فرازنشویی دارند. در جوامعی که ارزش‌های سنتی و مدرن در تقابل با یکدیگر قرار دارند، افراد ممکن است با فشارهای متناقضی مواجه شوند که بر رفتارهای زنانشویی آن‌ها تأثیر می‌گذارد (دال‌آنیولا و تیو، ۲۰۲۱). پیشرفت فناوری و گسترش استفاده از فضای مجازی نیز به عنوان یکی از عوامل مهم در افزایش روابط فرازنشویی شناخته شده است. شبکه‌های اجتماعی، اپلیکیشن‌های دوست‌یابی و پیام‌رسان‌های آنلاین، فرصت‌های بیشتری برای برقراری روابط خارج از ازدواج فراهم کرده‌اند. این فضاها به افراد امکان می‌دهند تا به راحتی با دیگران ارتباط برقرار کنند و روابطی را آغاز کنند که ممکن است در دنیای واقعی امکان‌پذیر نباشد (روزالین و کاسارانی^۶، ۲۰۲۴). علاوه بر این، فضای مجازی می‌تواند به عنوان یک پناهگاه برای افرادی عمل کند که در روابط زنانشویی خود احساس تنهایی یا نارضایتی می‌کنند. این افراد ممکن است از طریق ارتباطات آنلاین به دنبال جبران کمبودهای عاطفی یا جنسی خود باشند و این ارتباطات ممکن است به روابط فرازنشویی واقعی منجر شود (لیائو و لینگ^۷، ۲۰۲۲).

از عوامل تأثیرگذار بر روابط فرازنشویی روابط آبرزه است (اشمیت^۸ و همکاران، ۲۰۱۶). چنانکه یافته‌های پژوهش غلامیان و هوشیاری (۱۴۰۲)، باشی عبدالآبادی و همکاران (۱۴۰۱)،

5. Bibi

6. Rosaline, Kasaraneni

7. Liao, Ling

8. Schmidt

1. extramarital relationships

2. Aignesberger, Greitemeyer

3. Dall'Agnola, Thibault

4. Lee, Lee

تکرار می کنند. این مسئله می تواند منجر به تعارضات و نارضایتی های زناشویی شود، زیرا هر فرد انتظارات و تصورات ناهشیارانه ای دارد که ممکن است با واقعیت همسرش مطابقت نداشته باشد (حسینی و همکاران، ۲۰۲۱).

متغیرهای فردی، خانوادگی و اجتماعی مختلفی وجود دارد که می تواند نقش میانجی گر را بین روابط ایزه با گرایش به روابط فرازناشویی در افراد متأهل ایفا نماید. از جمله این متغیرها می توان به سبک های دلبستگی^۶ اشاره کرد (منصوری و همکاران، ۱۳۹۹؛ بختیاری و همکاران، ۱۳۹۸). این در حالی است که نتایج پژوهش وجدانی، کرمی و احمدی (۱۳۹۹)، اکرمی، محسن زاده و زهرا کار (۱۴۰۱) و عارفی و خوشبخت (۱۴۰۱)، موسلی و پارکر^۷ (۲۰۲۴) و کرنر، شولتر و فینچام^۸ (۲۰۲۳) نشانگر آن است که دلبستگی بین زوجین می تواند به عنوان عاملی موثر و پیش بینی قوی در گرایش آنان به روابط فرازناشویی به شمار رود. سبک دلبستگی یکی از عوامل کلیدی است که بر عملکرد افراد در زندگی زناشویی، فعالیت های عاشقانه و تقویت روابط زناشویی تأثیر گذار است (سکمن^۹ و همکاران، ۲۰۲۱). دلبستگی نقطه آغاز نظام ارتباطی بین زوجها است و پایه و اساس صمیمیت در روابط به شمار می رود (تاجبخش، ۲۰۲۱). زمانی که اعتماد و احساس امنیت در دلبستگی زوج ها تهدید شود، می توان انتظار داشت که روابط آنها نیز دچار آشفتگی شود (کاندل و توریوک^{۱۰}، ۲۰۱۹). همچنین، افرادی که دارای سبک دلبستگی ناایمن هستند، ممکن است در برقراری روابط پایدار و ایمن دچار مشکل شوند و به دنبال جبران این کمبودها در روابط خارج از ازدواج باشند. سبک های دلبستگی که در دوران کودکی و از طریق تعامل با مراقبان اولیه شکل می گیرند، تأثیر عمیقی بر روابط عاطفی در بزرگسالی دارند (اوگار و تولان^{۱۱}، ۲۰۲۴). افرادی که دارای سبک دلبستگی اجتنابی هستند، معمولاً از نزدیکی و صمیمیت در روابط خود اجتناب می کنند و ممکن

مطهری راد (۱۴۰۱)، سینکلایر^۱ و همکاران (۲۰۲۳) و لیان و بونو^۲ (۲۰۲۴) بیانگر آن است که روابط ایزه نقشی موثر در کیفیت روابط زناشویی ایفا می نماید. اصطلاح ایزه برای اولین بار توسط فروید^۳، بنیان گذار روان کاوی کلاسیک، مطرح شد. هرچند فروید نظریه ای جامع درباره ایزه تدوین نکرد، اما معتقد بود که انتخاب ایزه عشق در دوران بزرگسالی و داشتن روابط عاطفی با آن، به کیفیت رابطه کودک با مراقبین اولیه در سال های کودکی بستگی دارد (سینکلایر و همکاران، ۲۰۲۳). روابط ایزه از نخستین تعاملات بین کودک و مادر نشأت می گیرد. اصطلاح ایزه نمایان گر آثار باقی مانده از روابط گذشته است که شکل تعاملات فعلی فرد با دیگران را تعیین می کند (لیان و بونو، ۲۰۲۴). افراد با توجه به تجربیات خود با مراقبان اولیه، مدل های کارآمد درونی خود را تدوین می کنند. این مدل ها بر احساسات، افکار، رفتارها تأثیر گذار هستند و تغییراتی در نگرش ها و رفتارها در ازدواج و دیگر روابط مهم می گذارد (میراندا و رودریگز^۴، ۲۰۱۵). روابط ایزه مختل می تواند علت روابط فرا زناشویی باشد. اگر فرد در دوران کودکی تجربیات منفی یا ناکامل با افراد مهم زندگی (مثلاً والدین) داشته باشد، ممکن است این تجربیات منفی را به روابط بزرگسالی خود منتقل کند. این تجربیات منفی می تواند باعث ایجاد نارضایتی و ناپایداری در رابطه زناشویی شود و فرد را به سمت جستجوی رابطه ای دیگر سوق دهد (اشمیت و همکاران، ۲۰۱۶). افرادی که در کودکی تجربه های منفی یا ناامنی های عاطفی داشته اند، ممکن است در بزرگسالی نیز در برقراری روابط پایدار و ایمن دچار مشکل شوند. این افراد به دلیل تجربه های ناخوشایند قبلی، ممکن است در مواجهه با مشکلات زناشویی به روابط خارج از ازدواج روی آورند تا نیازهای عاطفی خود را تأمین کنند (هیارد^۵ و همکاران، ۲۰۲۲). در روابط زناشویی، افراد غالباً نیازهای ایزه های درونی شده ای را که در کودکی تجربه کرده اند،

6. Attachment styles

7. Mosley, Parker

8. Körner, Schütz, Fincham

9. Sekmen

10. Candel, Turliuc

11. Uğur, Tolan

1. Sinclair

2. Lian, Bono

3. Freud

4. Miranda, Rodrigues

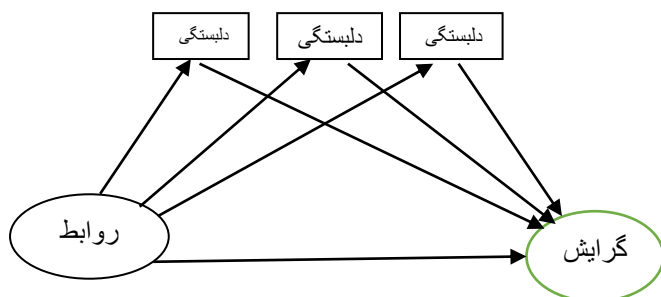
5. Hibbard

است برای فرار از وابستگی، به روابط فرازنشویی روی بیاورند (شیونگ^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، افرادی که دارای سبک دلبستگی اضطرابی - دوسوگرا هستند، معمولاً با احساسات تناقض آمیز و نگرانی‌های مداوم در مورد روابط خود مواجه‌اند و ممکن است به دنبال روابط جایگزین بگردند تا از این نگرانی‌ها و احساسات متناقض فرار کنند (بی‌بی و همکاران، ۲۰۲۴).

در این پژوهش، نوآوری به‌طور خاص در چندین حوزه برجسته می‌شود. نخستین جنبه نوآورانه این تحقیق، ترکیب مفاهیم روابط اُبژه و سبک‌های دلبستگی در تحلیل گرایش به روابط فرازنشویی است. در حالی که هر یک از این مفاهیم به‌طور جداگانه در پژوهش‌های پیشین مورد بررسی قرار گرفته‌اند، این تحقیق با ادغام آن‌ها در یک مدل مفهومی جامع، به درک عمیق‌تر و جامع‌تری از روابط میان این متغیرها دست یافته است. این رویکرد نه تنها به شناسایی تأثیرات مستقیم روابط اُبژه بر گرایش به روابط فرازنشویی می‌پردازد، بلکه نقش میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی را نیز در این رابطه بررسی می‌کند. این ترکیب مفهومی به‌ویژه در جوامعی مانند ایران، که روابط خانوادگی و زنشویی از اهمیت فرهنگی و اجتماعی بالایی برخوردار است، می‌تواند به ارائه دیدگاه‌های نوین و کاربردی برای بهبود روابط زوجین کمک کند. دیگر جنبه نوآورانه این پژوهش، تمرکز بر روابط اُبژه به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در شکل‌گیری و تداوم روابط زنشویی است. روابط اُبژه که به بازنمایی‌های درونی‌شده از روابط اولیه فرد با مراقبان اصلی اشاره دارد، تاکنون در بسیاری از پژوهش‌ها به‌صورت کلی مورد بررسی قرار گرفته است. با این حال، این تحقیق با بررسی نقش این عامل در گرایش به روابط فرازنشویی و همچنین تأثیر آن بر سبک‌های دلبستگی، به ارائه دیدگاه‌های جدیدی در این زمینه کمک می‌کند. این نوآوری می‌تواند به مشاوران خانواده و روان‌شناسان در طراحی مداخلات مؤثر برای کاهش گرایش به روابط فرازنشویی کمک کند. در نهایت، این تحقیق با تمرکز بر عوامل روان‌شناختی و اجتماعی مؤثر بر روابط زنشویی، به توسعه دانش در این حوزه کمک کرده و مبنایی برای تحقیقات

آینده فراهم می‌کند. علاوه بر این باید ذکر نمود که روابط فرازنشویی یکی از چالش‌های جدی در روابط زنشویی به شمار می‌رود. این روابط می‌توانند به کاهش اعتماد بین زوجین، افزایش تنش‌های روانی و عاطفی، و در نهایت، فروپاشی خانواده منجر شوند. در جوامعی مانند ایران که خانواده به‌عنوان یکی از ارکان اصلی جامعه شناخته می‌شود، بررسی این پدیده و عوامل مؤثر بر آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر این اساس این تحقیق با تمرکز بر این دو عامل کلیدی، به بررسی چگونگی تأثیر آن‌ها بر گرایش به روابط فرازنشویی پرداخته است. فرضیه‌های پژوهش بدین صورت بودند:

۱. روابط اُبژه بر سبک‌های دلبستگی و گرایش به روابط فرازنشویی در افراد متأهل تأثیر دارد.
۲. گرایش به روابط فرازنشویی بر اساس روابط اُبژه با میانجیگری سبک‌های دلبستگی در افراد متأهل تأثیر دارد.
۳. سبک‌های دلبستگی بر گرایش به روابط فرازنشویی افراد متأهل تأثیر داشته و در رابطه بین روابط اُبژه و گرایش به روابط فرازنشویی نقش میانجی معنادار دارد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش حاضر

روش کار

پژوهش از نوع کاربردی و روش پژوهش توصیفی - همبستگی از نوع مدلیابی معادلات ساختاری بود جامعه آماری شامل افراد متأهل (زن و مرد) ساکن در منطقه ۷ شهر تهران در سال ۱۴۰۲ بود. در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری دردسترس تعداد ۳۱۰ نفر (با توجه به تعداد متغیرهای و زیرمقیاس‌های پرسشنامه - های آنان در پژوهش: هر متغیر ۲۰ نفر نمونه) انتخاب شدند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها تعداد ۳۰ نفر پاسخ مخدوش به

1. Xiong

پرسشنامه‌ها داده بودند که از پژوهش حذف شده و پرسشنامه‌های ۲۸۰ نفر در پژوهش باقی مانده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روش نمونه‌گیری بدین صورت بود که با مراجعه به فرهنگسرای شهرداری افراد متاهلی که مایل به حضور در پژوهش بودند انتخاب و به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دادند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل این موارد بود: تاهل داشتن، قرار گرفتن در بازه سنی ۲۵-۴۵ سال، رضایت آگاهانه و داوطلبانه جهت شرکت در پژوهش و نداشتن سابقه جدایی و طلاق بود. ملاک‌های خروج از پژوهش نیز شامل: پاسخگویی ناقص به سوالات، عدم تمایل به تکمیل پرسشنامه‌ها و بروز حوادث پیش‌بینی نشده موثر بود.

ابزار سنجش

پرسشنامه گرایش به روابط فرازنشویی (TERQ)^۱: پرسشنامه گرایش به روابط فرازنشویی توسط ینیسری و کوکدمیر (۲۰۰۶) با ۲۴ سؤال طراحی شد. پاسخگویی به سوالات این پرسشنامه در یک مقیاس پنج درجه‌ای از کاملاً مخالفم (نمره یک) تا کاملاً موافقم (نمره پنج) انجام می‌شود. دامنه امتیاز این پرسشنامه بین ۲۴ تا ۱۲۰ است. هر چه امتیاز حاصل شده از این پرسشنامه بیشتر باشد، نشان دهنده میزان تمایل بیشتر فرد به روابط فرازنشویی است. این پرسشنامه دارای شش زیرمقیاس مشروعیت (۴ سؤال: شمال سوال‌های ۱، ۲، ۳ و ۴)، اغوا (۴ سؤال: شامل سوال‌های ۵ و ۶، ۷ و ۸)، عادی‌سازی (۴ سؤال: شامل سوال‌های ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲)، جنسیت (۴ سؤال: شامل سوال‌های ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶)، زمینه اجتماعی (۴ سؤال: شامل سوال‌های ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰) و جستجوی هیجان (۴ سؤال: شامل سوال‌های ۲۱، ۲۲، ۲۳ و ۲۴). ینیسری و کوکدمیر (۲۰۰۶) پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های مشروعیت، اغوا، عادی‌سازی، جنسیت، زمینه اجتماعی و جستجوی هیجان به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۸۰، ۰/۸۴/۷۴، ۰/۷۳ و ۰/۸۳ و برای نمره کل پرسشنامه ۰/۸۸ گزارش دادند. در پژوهش آنها میزان روایی سازه پرسشنامه نیز مطلوب و ۰/۹۱

گزارش شده است (ینیسری و کوکدمیر، ۲۰۰۶). در پژوهش کریمی، یوسفی و سلیمانی (۱۳۹۸) پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل به مقدار ۰/۹۱ و برای خرده مقیاس‌های مشروعیت، اغوا، عادی‌سازی، جنسیت، زمینه اجتماعی و جستجوی هیجان به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۷۵، ۰/۵۱، ۰/۸۰، ۰/۷۱ و ۰/۷۹ گزارش شد. در پژوهش آنها روایی صوری و ظاهری این پرسشنامه توسط اساتید تأیید شده است. همچنین روایی هم زمان همگرا پرسشنامه خیانت زناشویی با پرسشنامه نگرش به خیانت که به صورت همزمان با آزمون مورد نظر اجرا شد، سنجیده شد و همبستگی مثبت معنادار بین این دو پرسشنامه یافت شد. در پژوهش حاضر نیز میزان پایایی زیرمقیاس‌های مشروعیت، اغوا، عادی‌سازی، جنسیت، زمینه اجتماعی و جستجوی هیجان و نمره کل پرسشنامه به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۴، ۰/۷۸، ۰/۸۰، ۰/۷۹، ۰/۷۷ و ۰/۸۳ به دست آمد.

پرسشنامه سبک دلبستگی^۳ (ASQ): کولینز و رید^۴ (۱۹۹۰) پرسشنامه سبک‌های دلبستگی را تهیه کردند. این پرسشنامه در ابتدا دارای ۲۱ ماده بود که بعدها به ۱۸ آیتم کاهش یافت که توسط علامت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از نوع لیکرت (نمرات ۱: به هیچ‌وجه با خصوصیات من تطابق ندارد تا ۵: کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد) برای هر ماده سنجیده می‌شود. این پرسشنامه سه زیرمقیاس دارد که هر زیرمقیاس شامل شش سوال می‌باشد. این سه مقیاس عبارتند از: **سبک اضطرابی:** که با سبک دلبستگی دوسوگرا^۵ مطابقت دارد و ترس از داشتن رابطه را در ارتباط‌ها می‌سنجد. **سبک نزدیک بودن:** که با سبک دلبستگی ایمن^۶ مطابقت دارد و میزان آسایش در رابطه با صمیمیت و نزدیکی هیجانی را اندازه‌گیری می‌کند. **سبک وابستگی:** که تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی^۷ است و شامل میزان اعتمادی است که آزمودنی‌ها به دیگران کرده و به آنها متکی می‌شوند (کولینز و رید، ۱۹۹۰). سوالات

3. Attachment Style Questionnaire

4. Collins, Read

5. Ambivalent Attachment Style

6. Secure Attachment Style

7. Avoidant Attachment Style

1. Tendency to Extramarital Relationships Questionnaire

2. Yeniceri, Kökdemir

۱، ۸، ۹، ۱۰، ۱۴ و ۱۷ دلبستگی ایمن؛ سوالات ۳، ۴، ۷، ۱۵، ۱۶ و ۱۸ دلبستگی اجتنابی؛ و سوالات ۲، ۵، ۶، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ دلبستگی اضطرابی را می‌سنجد. کولینز و رید (۱۹۹۰) روایی سازه این پرسشنامه را مطلوب و برای سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۹۳ و ۰/۹۰ و همچنین میزان پایایی این سه سبک دلبستگی را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۵ و ۰/۸۸ گزارش کردند (کولینز و رید، ۱۹۹۰). در پژوهش فخری، مهدویان‌فرد و کیمیایی (۱۳۹۷) نیز ضریب آلفای کرونباخ دلبستگی‌های ایمن ۰/۸۲، اجتنابی ۰/۸۱ و دوسوگرا ۰/۸۴ و میزان روایی محتوایی مطلوب گزارش شده است. همچنین در پژوهش حاضر حاضر نیز ضریب پایایی دلبستگی‌های ایمن ۰/۸۱، اجتنابی ۰/۷۹ و دوسوگرا ۰/۸۲ به روش آلفای کرونباخ محاسبه شد.

پرسشنامه روابط آبه (ORQ):^۱ پرسشنامه روابط ابژه‌ای توسط بل^۲ (۱۹۹۵) طراحی و اعتباریابی شده است. این پرسشنامه شامل ۴۵ سوال در ۴ مولفه می‌باشد. پاسخگویی به سوالات این پرسشنامه در یک مقیاس پنج درجه‌ای از کاملاً مخالفم (نمره یک) تا کاملاً موافقم (نمره پنج) انجام می‌شود. دامنه امتیاز این پرسشنامه بین ۴۵ تا ۲۲۵ است. هر چه امتیاز حاصل شده از این پرسشنامه بیشتر باشد، نشان دهنده میزان روابط ابژه‌ای بیشتر فرد است. پرسشنامه چهار زیرمقیاس‌های بیگانگی (سوالات ۱ تا ۱۱)، دلبستگی نایمن اجتنابی (سوالات ۱۲ تا ۲۵)، خودمیان‌بینی (سوالات ۲۶ تا ۳۴) و بی‌کفایتی اجتماعی (سوالات ۳۵ تا ۴۵) را مورد سنجش قرار می‌دهد. بل (۱۹۹۵) ضرایب اعتبار بازآزمایی چهار هفته‌ای خرده مقیاس‌های این پرسشنامه را ۵۸/۰-۹۰/۰ و ثبات درونی آنها را ۷۸/۰-۹۰/۰ گزارش کرده است. روایی این پرسشنامه نیز از طریق سنجش همبستگی آن با مقیاس‌های مختلف مانند مقیاس درجه‌بندی روان‌پزشکی مختصر، نشانگان مثبت و منفی پرسشنامه چندمحوری بالینی میلون ۲، پرسشنامه چندوجهی شخصیت مینه‌سوتا ۲ و فهرست تجدید نظر شده ۹۰ گویه‌ای نشانه‌های بیماری تایید شده است (بل، ۱۹۹۵). در

پژوهش مسگریان و همکاران (۱۳۹۶) نتایج تحلیل عاملی پرسشنامه روابط موضوعی، چهار عامل خودمحوری، بیگانگی، دلبستگی نایمن و بی‌کفایتی اجتماعی را به دست داد. اعتبار عوامل آن با استفاده از محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۶۶-۰/۸۰، ضریب اعتبار دونیمه کردن ۶۰/۰-۷۷/۰ و تایی ترتیبی کل پرسشنامه ۸۶/۰ به دست آمد. همبستگی‌های معنادار بین ابعاد روابط موضوعی و سطوح مکانیزم‌های دفاعی نیز روایی همگرا و واگرایی مقیاس روابط موضوعی بل را تأیید کرد (مسگریان و همکاران، ۱۳۹۶). در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ چهار خرده مقیاس بیگانگی، دلبستگی نایمن اجتنابی، خودمیان‌بینی و بی‌کفایتی اجتماعی و نمره کل پرسشنامه روابط آبه به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۴، ۰/۷۵، ۰/۷۳ و ۰/۷۹ محاسبه شد.

روش تحلیل داده‌ها

نتایج در دو بخش آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار و ماتریس همبستگی) و آمار استنباطی (مدل‌سازی معادلات ساختاری) و آزمون بوت استرپ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزارهای SPSS و Amos (هر دو نسخه ۲۳) انجام شد.

یافته‌ها

یافته‌های جمعیت شناختی نشان داد که ۶۲ نفر (۲۲/۱۴ درصد) از شرکت کنندگان دامنه سنی ۲۵ تا ۳۰ سال، ۶۳ نفر (۲۲/۵۰ درصد) دامنه سنی ۳۱ تا ۳۵ سال، ۸۵ نفر (۳۰/۳۶ درصد) دامنه سنی ۳۶ تا ۴۰ سال و ۷۰ نفر (۲۵ درصد) دامنه سنی ۴۱ تا ۴۵ سال داشتند. حال به ارائه یافته‌های توصیفی پرداخته می‌شود.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار
نمره کل گرایش به روابط فرازنشویی	۶۱/۹۴	۹/۴۹
زیرمقیاس‌های		
مشروعیت	۹/۴۲	۲/۳۶
گرایش به	۱۰/۶۹	۲/۴۲
روابط	۸/۱۷	۲/۵۰
فرازنشویی	۹/۵۴	۲/۷۶
جنسیت		

1. Object Relations Questionnaire

2. Bell

زمینه اجتماعی	۱۱/۳۳	۲/۹۱
جستجوی هیجان	۱۲/۷۹	۲/۷۷
نمره کل روابط ابژه‌ای	۹۲/۰۹	۱۱/۹۱
بیگانگی	۲۱/۵۷	۳/۲۳
دلبستگی ناایمن اجتنابی	۲۶/۱۱	۴/۱۱
خودمیان‌بینی	۱۷/۰۹	۴/۲۶
بی‌کفایتی اجتماعی	۲۷/۳۲	۴/۲۴
سبک دلبستگی ایمن	۱۸/۸۴	۳/۵۱
سبک دلبستگی اجتنابی	۱۱/۱۲	۲/۲۶
سبک دلبستگی دوسوگرا	۱۲/۳۶	۳/۰۸

آزمون شاپیرو و وِلک بیانگر آن بود که پیش فرض نرمال بودن توزیع نمونه‌ای داده‌ها در سبک دلبستگی ایمن ($P=0/41$)؛ $F=0/85$)، سبک دلبستگی اجتنابی ($P=0/33$ ؛ $F=0/69$)، سبک دلبستگی دوسوگرا ($P=0/25$ ؛ $F=0/81$)، گرایش به روابط فرازناشویی ($P=0/22$ ؛ $F=0/86$) و روابط ابژه $P=0/41$ ؛ $F=0/89$) برقرار است. همچنین پیش فرض همگنی واریانس نیز توسط آزمون لوین مورد سنجش قرار گرفت که نتایج آن معنادار نبود که این یافته نشان می‌داد پیش فرض همگنی واریانس‌ها در متغیرهای سبک دلبستگی ایمن ($P=0/32$)؛ $F=1/11$)، سبک دلبستگی اجتنابی ($P=0/38$ ؛ $F=1/07$)، سبک دلبستگی دوسوگرا ($P=0/33$ ؛ $F=1/32$)، گرایش به روابط فرازناشویی ($P=0/22$ ؛ $F=1/41$) و روابط ابژه $P=0/42$ ؛ $F=1/26$) رعایت شده است. حال به ارائه نتایج جداول استنباطی پرداخته می‌شود.

جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مورد بررسی در پژوهش حاضر (سبک‌های دلبستگی، گرایش به روابط فرازناشویی و روابط ابژه) را نشان می‌دهد. قبل از ارائه نتایج تحلیل آزمون همبستگی پیرسون، پیش فرض‌های آزمون‌های پارامتریک مورد سنجش قرار گرفت. بر همین اساس نتایج

جدول ۲. همبستگی پیرسون بین گرایش به روابط فرازناشویی، روابط ابژه و سبک‌های دلبستگی در افراد متاهل

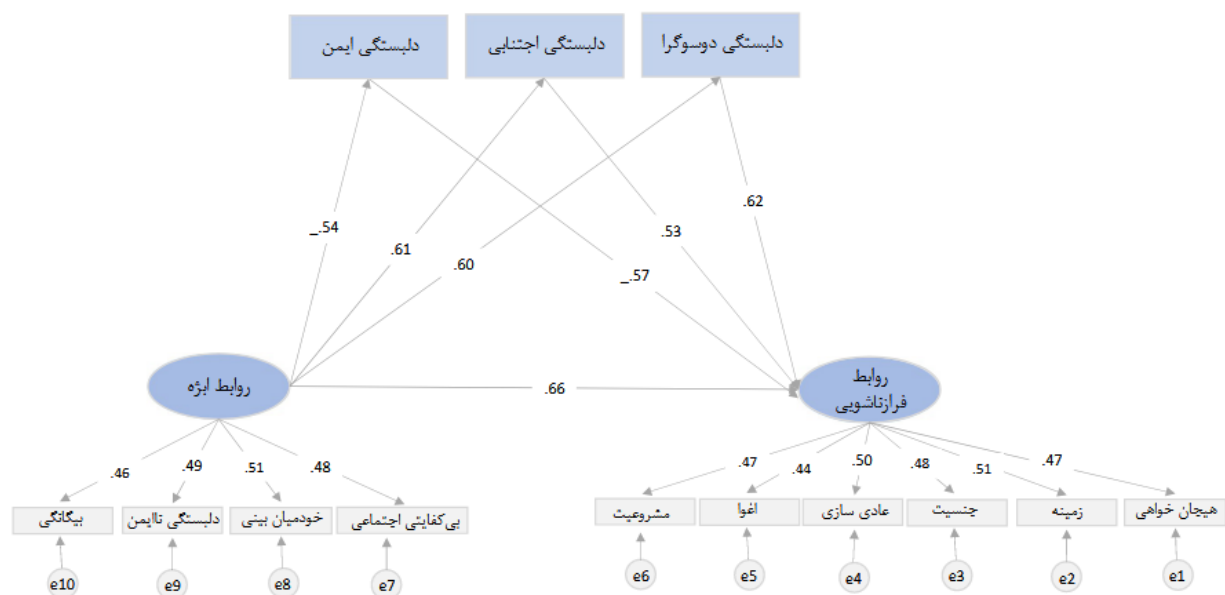
متغیرها	گرایش به روابط فرازناشویی	روابط ابژه	دلبستگی ایمن	دلبستگی اجتنابی	دلبستگی دوسوگرا
گرایش به روابط	۱				
فرازناشویی	معناداری	-			
روابط ابژه	همبستگی معناداری	۰/۰۰۰۱ -			
دلبستگی ایمن	همبستگی معناداری	۰/۰۰۰۱ -	۰/۰۰۰۱ -		
دلبستگی اجتنابی	همبستگی معناداری	۰/۰۰۰۱ -	۰/۰۰۰۱ -	۰/۰۰۰۱ -	
دلبستگی دوسوگرا	همبستگی معناداری	۰/۰۰۰۱ -	۰/۰۰۰۱ -	۰/۰۰۰۱ -	۰/۰۰۰۱ -

* $p=0/05$

** $p=0/01$

($p<0/01$). در ادامه به بررسی پیش‌بینی گرایش به روابط فرازناشویی بر اساس روابط ابژه با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی در افراد متاهل پرداخته می‌شود.

با توجه به ضریب همبستگی پیرسون در جدول ۲ مشخص است گرایش به روابط فرازناشویی، روابط ابژه و سبک‌های دلبستگی در افراد متاهل به صورت دو به دو همبستگی معنادار دارند



شکل ۱. ضرایب استاندارد مدل پیشنهادی پیش‌بینی گرایش به روابط فرازنشویی بر اساس روابط اُبژه با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی در در افراد متاهل

جدول ۳. ضرایب رگرسیونی غیراستاندارد و استاندارد مسیرهای مدل پیش‌بینی گرایش به روابط فرازنشویی بر اساس روابط اُبژه با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی در در افراد متاهل

مسیرهای مدل	ضرایب غیراستاندارد	خطای استاندارد	مقدار بحرانی (t)	ضرایب استاندارد	مقدار معناداری	ضریب تعیین
روابط اُبژه ← سبک دلبستگی ایمن	-۱/۲۲۱	۰/۲۳	-۵/۳۱	-۰/۵۴۴	۰/۰۰۱	۰/۲۹۵
روابط اُبژه ← سبک دلبستگی اجتنابی	۰/۵۲۸	۰/۰۹	۵/۸۷	۰/۶۱۱	۰/۰۰۱	۰/۳۷۳
روابط اُبژه ← سبک دلبستگی دوسوگرا	۰/۷۳	۰/۱۳	۵/۶۲	۰/۶۰۴	۰/۰۰۱	۰/۳۶۵
روابط اُبژه ← گرایش به روابط فرازنشویی	۰/۷۲۷	۰/۱۲	۶/۰۶	۰/۶۵۹	۰/۰۰۱	۰/۴۳۴
سبک دلبستگی ایمن ← گرایش به روابط فرازنشویی	-۰/۸۷۵	۰/۱۶	-۵/۴۷	-۰/۵۷۱	۰/۰۰۱	۰/۳۲۶
سبک دلبستگی اجتنابی ← گرایش به روابط	۰/۷۱۵	۰/۱۴	۵/۱۱	۰/۵۳۱	۰/۰۰۱	۰/۲۸۲
فرازنشویی						
سبک دلبستگی دوسوگرا ← گرایش به روابط	۰/۵۹۹	۰/۱۰	۵/۹۹	۰/۶۲۳	۰/۰۰۱	۰/۳۸۸
فرازنشویی						

دلبستگی ایمن کاهش می‌یابد. از طرفی روابط اُبژه بر سبک دلبستگی اجتنابی ($\beta = ۰/۶۱۱$, $p < ۰/۰۵$) افراد متاهل نیز دارای اثر معنادار بوده و توانسته ۳۷/۳ درصد از واریانس این متغیر را تبیین کند. با توجه به مثبت بودن ضریب رگرسیونی، رابطه بین دو متغیر مثبت و مستقیم است، به طوری که با افزایش روابط اُبژه، سبک دلبستگی اجتنابی نیز

چنان که در جدول ۳ و شکل ۱ مشاهده می‌شود، روابط اُبژه بر سبک دلبستگی ایمن ($\beta = -۰/۵۴۴$, $p < ۰/۰۵$) افراد متاهل دارای اثر معنادار بوده و توانسته ۲۹/۵ درصد از واریانس این متغیر را تبیین کند. با توجه به منفی بودن ضریب رگرسیونی، رابطه بین دو متغیر منفی و معکوس است، به طوری که با افزایش روابط اُبژه، سطح سبک

ارائه شده است. پیش از ارائه توضیحات مربوط به جدول ۴ اشاره به چند نکته ضروری است. از نظر کلی یک الگوی مناسب از لحاظ شاخص‌های برازش باید دارای خی دو غیرمعتادار، نسبت خی دو به درجه آزادی کمتر از ۳، شاخص نیکویی برازش^۱ (GFI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)^۲ و شاخص برازندگی هنجار شده^۳ (NFI) بیشتر از ۰/۹۵، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته^۴ (AGFI) بالاتر از ۰/۹۰، شاخص برازندگی تطبیقی مقتصد^۵ (PCFI) بالاتر از ۰/۵۰، شاخص برازش افزایشی^۶ (IFI) بزرگتر از ۰/۹، و تقریب ریشه میانگین مجذورات خطا^۷ (AMSE) کوچکتر از ۰/۰۹ باشد. ذکر این نکته بسیار ضروری است که اصلی‌ترین فاکتور قضاوت برازش مدل، توجه به تقریب ریشه میانگین مجذورات خطا (RMSEA) است. چرا که این عامل از تعداد حجم نمونه تاثیر نمی‌پذیرد.

جدول ۴. شاخص‌های برازندگی مدل پیشنهادی در پژوهش

RMSEA	NFI	CFI	TLI	IFI	AGFI	GFI	χ^2/df	DF	χ^2
(بهینه کمتر)	(بهینه)	(بهینه)	(بهینه)	(بهینه)	(بهینه)	(بهینه)			
کمتر	بالاتر	بالاتر	بالاتر	بالاتر	بالاتر	بالاتر	از ۰/۰۹		
از	از	از	از	از	از	از	از ۰/۹۵		
۰/۰۶۱	۰/۹۶۷	۰/۹۸۳	۰/۹۸۵	۰/۹۵۵	۰/۹۳۱	۰/۹۵۸	۱/۷۰	۲۶	۴۴/۳۲

با توجه به نتایج مندرج در جدول ۴ ملاحظه می‌شود که در مدل پیشنهادی تحقیق برای کل نمونه آزمودنی‌ها شاخص نسبت مجذور خی بر درجه آزادی (χ^2/df) برابر با ۱/۷۰ (مقدار مطلوب کوچکتر از ۳)؛ شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر با ۰/۹۵۸ (مقدار مطلوب بالاتر از ۰/۹۵)؛ شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI) برابر ۰/۹۳۱ (مقدار مطلوب بالاتر از ۰/۹۰)؛ شاخص برازندگی فزاینده (IFI) برابر با ۰/۹۵۵ (مقدار

افزایش می‌یابد. همچنین روابط اُبژه بر سبک دلبستگی دوسوگرا ($\beta = ۰/۶۰۴, p < ۰/۰۵$) افراد متاهل دارای اثر معنادار بوده و توانسته ۳۶/۵ درصد از واریانس این متغیر را تبیین کند. با توجه به مثبت بودن ضریب رگرسیونی، رابطه بین دو متغیر مثبت و مستقیم است، به طوری که با افزایش روابط اُبژه، سبک دلبستگی دوسوگرا نیز افزایش می‌یابد. علاوه بر این روابط اُبژه بر گرایش به روابط فرازنشویی ($\beta = ۰/۶۵۹, p < ۰/۰۵$) افراد متاهل دارای اثر معنادار بوده و توانسته ۴۳/۴ درصد از واریانس این متغیر را تبیین کند. با توجه به مثبت بودن ضریب رگرسیونی، رابطه بین دو متغیر مثبت و مستقیم است، به طوری که با افزایش روابط اُبژه، گرایش به روابط فرازنشویی نیز افزایش می‌یابد. بخش دیگر یافته‌ها نشان داد که سبک دلبستگی ایمن بر گرایش به روابط فرازنشویی ($\beta = -۰/۵۷۱, p < ۰/۰۵$) افراد متاهل دارای اثر معنادار بوده و توانسته ۳۲/۶ درصد از واریانس این متغیر را تبیین کند. با توجه به منفی بودن ضریب رگرسیونی، رابطه بین دو متغیر منفی و معکوس است، به طوری که با افزایش سبک دلبستگی ایمن، گرایش به روابط فرازنشویی کاهش می‌یابد. از طرفی سبک دلبستگی اجتنابی بر گرایش به روابط فرازنشویی ($\beta = ۰/۵۳۱, p < ۰/۰۵$) افراد متاهل نیز دارای اثر معنادار بوده و توانسته ۲۸/۲ درصد از واریانس این متغیر را تبیین کند. با توجه به مثبت بودن ضریب رگرسیونی، رابطه بین دو متغیر مثبت و مستقیم است، به طوری که با افزایش سبک دلبستگی اجتنابی، گرایش به روابط فرازنشویی نیز افزایش می‌یابد. همچنین سبک دلبستگی دوسوگرا بر گرایش به روابط فرازنشویی ($\beta = ۰/۶۲۳, p < ۰/۰۵$) افراد متاهل دارای اثر معنادار بوده و توانسته ۳۸/۸ درصد از واریانس این متغیر را تبیین کند. با توجه به مثبت بودن ضریب رگرسیونی، رابطه بین دو متغیر مثبت و مستقیم است، به طوری که با افزایش سبک دلبستگی دوسوگرا، گرایش به روابط فرازنشویی نیز افزایش می‌یابد.

برای تعیین کفایت برازندگی مدل پیشنهادی، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴

1. goodness of fit index

2. Comparative fit index

3. Normalized fitness index

4. Adjusted goodness of fit index

5. Parsimonious comparative fitness index

6. Incremental fit index

7. Approximation of root mean squared error

مطلوب بالاتر از ۰/۹۵؛ شاخص توکرلويس (IFI) برابر با ۰/۹۸۵ (مقدار مطلوب بالاتر از ۰/۹۵)؛ شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) برابر با ۰/۹۸۳ (مقدار مطلوب بالاتر از ۰/۹۵)؛ شاخص برازندگی هنجار شده (NFI) برابر با ۰/۹۶۷ (مقدار مطلوب بالاتر از ۰/۹۵)؛ و شاخص جذر میانگین مجذورات خطاب تقریب (RMSEA) برابر با ۰/۰۶۱ (مقدار مطلوب کوچکتر از ۰/۰۹) است. این یافته‌های نشانگر برازش مناسب مدل پیشنهادی است. حال جهت بررسی نقش میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در رابطه روابط اُبژه با گرایش به روابط فرازنشویی در افراد متأهل نتایج حاصل از بوت استرپ^۱ بررسی می‌شود.

جدول ۵. نتایج آزمون بوت استرپ برای بررسی مسیرهای

غیرمستقیم						
متغیر	متغیر	متغیر ملاک	حد پایین	حد بالا	فاصله	اثرات
پیش‌بین	میانجی				اطمینان	غیرمستقیم
روابط	دلبستگی	گرایش به	-۰/۵۴۱	-۰/۲۳۳	۰/۹۵	۰/۲۹۱
اُبژه	ایمن	روابط				
فرازنشویی						
روابط	دلبستگی	گرایش به	-۰/۲۹۷	-۰/۱۷۴	۰/۹۵	۰/۲۶۸
اُبژه	اجتنابی	روابط				
فرازنشویی						
روابط	دلبستگی	گرایش به	-۰/۳۲۳	-۰/۱۹۲	۰/۹۵	۰/۲۸۳
اُبژه	دوسوگرا	روابط				
فرازنشویی						

با توجه به نتایج آزمون بوت استرپ در جدول ۵ و در نظر گرفتن اینکه صفر در محدوده بالا و پایین نمرات قرار نگرفته است، نقش میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در رابطه روابط اُبژه با گرایش به روابط فرازنشویی در افراد متأهل تایید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، ارائه مدل ساختاری گرایش به روابط فرازنشویی بر اساس روابط اُبژه با میانجیگری سبک‌های

دلبستگی در افراد متأهل بود. یافته اول پژوهش حاضر نشان داد روابط اُبژه به صورت معنادار بر سبک‌های دلبستگی و گرایش به روابط فرازنشویی در افراد متأهل اثر دارد. یافته حاضر با نتایج پژوهش پیشین همسویی داشت. چنانکه نتایج یافته‌های پژوهش غلامیان و هوشیاری (۱۴۰۲)، باشی عبدل‌آبادی و همکاران (۱۴۰۱)، مطهری‌راد (۱۴۰۱)، سینکلایر و همکاران (۲۰۲۳) و لیان و بونو (۲۰۲۴) بیانگر آن است که روابط اُبژه نقشی موثر در کیفیت روابط زناشویی ایفا می‌نماید. همچنین خسرویگی و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند که روابط اُبژه به‌عنوان یک عامل کلیدی در شکل‌گیری سبک‌های دلبستگی عمل می‌کند.

برای تبیین این رابطه، می‌توان به نقش تجربیات اولیه در شکل‌گیری بازنمایی‌های ذهنی اشاره کرد. کودکانی که در محیطی امن و حمایتگر بزرگ می‌شوند و مراقبان آن‌ها به نیازهای عاطفی و جسمانی آن‌ها پاسخ مناسب می‌دهند، بازنمایی‌های ذهنی مثبتی از روابط شکل می‌دهند. این بازنمایی‌ها به‌عنوان روابط اُبژه مثبت شناخته می‌شوند و می‌توانند به شکل‌گیری سبک دلبستگی ایمن در بزرگسالی منجر شوند. در مقابل، کودکانی که در محیطی ناامن یا بی‌ثبات بزرگ می‌شوند و مراقبان آن‌ها به نیازهای عاطفی آن‌ها پاسخ مناسبی نمی‌دهند، بازنمایی‌های ذهنی منفی از روابط شکل می‌دهند. این بازنمایی‌ها به‌عنوان روابط اُبژه منفی شناخته می‌شوند و می‌توانند به شکل‌گیری سبک‌های دلبستگی ناایمن (اضطرابی یا اجتنابی) در بزرگسالی منجر شوند. به عبارت دیگر، کیفیت روابط اولیه فرد با مراقبان اصلی می‌تواند به‌طور مستقیم بر نحوه برقراری روابط عاطفی در بزرگسالی تأثیر بگذارد. این نتیجه نشان‌دهنده اهمیت تجربیات اولیه در شکل‌گیری الگوهای رفتاری و عاطفی در بزرگسالی است. به‌عنوان مثال، فردی که در دوران کودکی تجربه‌های مثبتی از روابط با مراقبان خود داشته است، احتمالاً سبک دلبستگی ایمن را در بزرگسالی نشان می‌دهد. این افراد معمولاً در برقراری روابط صمیمی و پایدار موفق‌تر هستند و کمتر دچار اضطراب یا اجتناب در روابط می‌شوند. در مقابل، فردی که در دوران کودکی تجربه‌های منفی یا ناکامل داشته است، ممکن است سبک دلبستگی ناایمن را در بزرگسالی نشان

¹. Bootstrap

دهد. این افراد معمولاً در برقراری روابط صمیمی و پایدار دچار مشکل هستند و ممکن است از نزدیکی و صمیمیت اجتناب کنند یا به دلیل اضطراب مداوم، به دنبال تأیید مداوم از سوی دیگران باشند. علاوه بر این باید ذکر نمود که کیفیت روابط اولیه فرد با مراقبان اصلی می‌تواند به‌طور مستقیم بر رفتارهای زناشویی در بزرگسالی تأثیر بگذارد. روابط اُبژه، که به بازنمایی‌های درونی‌شده از روابط اولیه فرد با مراقبان اصلی اشاره دارد، در دوران کودکی شکل می‌گیرد و به‌عنوان مدلی ذهنی برای روابط آینده عمل می‌کند. اگر این بازنمایی‌ها منفی باشند، ممکن است فرد در برقراری روابط صمیمی و پایدار دچار مشکل شود و به روابط فرازناشویی روی بیاورد. این یافته با نظریه روابط اُبژه و تحقیقات پیشین همخوانی دارد. در نظریه روابط اُبژه، تأکید می‌شود که روابط اولیه کودک با مراقبان اصلی نقش کلیدی در شکل‌گیری شخصیت و الگوهای رفتاری فرد در بزرگسالی دارد. این روابط اولیه به‌عنوان پایه‌ای برای بازنمایی‌های ذهنی عمل می‌کنند که فرد در روابط آینده خود از آن‌ها استفاده می‌کند. اگر این روابط اولیه مثبت و حمایتگر باشند، فرد بازنمایی‌های ذهنی مثبتی از روابط شکل می‌دهد که به او کمک می‌کند روابط صمیمی و پایدار برقرار کند. در مقابل، اگر این روابط اولیه منفی یا ناکامل باشند، فرد بازنمایی‌های ذهنی منفی شکل می‌دهد که می‌تواند به رفتارهای ناسالم در روابط زناشویی منجر شود. به‌عنوان مثال، فردی که در دوران کودکی تجربه‌های مثبتی از روابط با مراقبان خود داشته است، احتمالاً در بزرگسالی روابط زناشویی پایدارتر و رضایت‌بخش‌تری خواهد داشت. در مقابل، فردی که در دوران کودکی تجربه‌های منفی یا ناکامل داشته است، ممکن است در برقراری روابط زناشویی دچار مشکل شود و به روابط فرازناشویی روی بیاورد. این یافته‌ها پیامدهای مهمی برای مشاوره و روان‌درمانی دارند. به‌عنوان مثال، مشاوران خانواده می‌توانند با بررسی کیفیت روابط اُبژه افراد، مداخلات مناسبی برای کاهش گرایش به روابط فرازناشویی ارائه دهند. به‌عنوان مثال، اگر فردی دارای روابط اُبژه منفی باشد، مشاور می‌تواند با استفاده از روش‌های روان‌درمانی، به او کمک

کند تا بازنمایی‌های ذهنی منفی خود را شناسایی و اصلاح کند و الگوهای رفتاری سالم‌تری را در روابط زناشویی به کار گیرد. یافته نهایی پژوهش حاضر نشان داد که سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به صورت معنادار بر گرایش به روابط فرازناشویی در افراد متأهل اثر داشته و علاوه بر آن توانسته به صورت مثبت و معنادار رابطه بین روابط اُبژه و گرایش به روابط فرازناشویی در افراد متأهل را میانجیگری کند. یافته حاضر با نتایج پژوهش پیشین همسویی داشت. چنانکه منصوری و همکاران (۱۳۹۹) سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری مولفه تعهد عشق‌ورزی بر صمیمیت زناشویی دانشجویان متأهل موثر است. همچنین بختیاری و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند که سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی و سبک‌های عشق‌ورزی بر روابط فرازناشویی اثر مستقیم و معنادار دارد. علاوه بر این وجدانی و همکاران (۱۳۹۹) گزارش کردند که سبک‌های دلبستگی با نگرش به خیانت در زنان متأهل رابطه معنادار دارد. اکرمی و همکاران (۱۴۰۱) نیز دریافتند که گرایش به روابط فرازناشویی را می‌توان بر اساس سبک‌های دلبستگی پیش‌بینی نمود. در پژوهشی دیگر فخری و همکاران (۱۳۹۷) نیز پیش‌بینی احتمال طلاق زنان بر اساس دلبستگی اجتنابی، دلبستگی اضطرابی و مهارت حل مساله خانواده را مورد تأیید قرار داده‌اند. در پژوهش همسویی دیگر عارفی و خوشبخت (۱۴۰۱) دریافتند که سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری مدیریت تعارض و بخشودگی بر بروز روابط فرازناشویی موثر است. در نهایت نتایج پژوهش موسلی و پارکر (۲۰۲۴) و کرنر، شولتز و فینچام (۲۰۲۳) نشانگر آن است که دلبستگی بین زوجین می‌تواند به عنوان عاملی موثر و پیش‌بینی قوی در گرایش آنان به روابط فرازناشویی به شمار رود.

در تبیین این یافته باید گفت هنگامی که سبک دلبستگی به صورتی امن نضج گرفت، این حس امنیت به روابط میان فردی آینده و به خصوص روابط با محیط اطراف (چه در خانواده و چه در محیط اجتماعی) انتقال می‌یابد. بدین جهت افراد بهره‌مند از سبک دلبستگی ایمن، ارتباطات خانوادگی را سرشار از امنیت و آرامش می‌پندارند و بنابراین از برقراری ارتباط ترسی نداشته و

روابط با دیگران را مملو از صمیمیت و دلدادگی تلقی می‌کنند (منصوری و همکاران، ۱۳۹۹). چنین فرایندی سبب می‌شود تا افراد متأهل دارای دلبستگی ایمن، دنیای اطراف خویش و روابط زناشویی خود را دنیایی امن و قابل اعتماد ادراک نموده و با بهبود قدرت روانی، تمایل کمتری را نیز بر روابط فرازنشویی از خود نشان دهند. علاوه بر این افراد با سبک دلبستگی ایمن معمولاً روابط صمیمی و پایدار برقرار می‌کنند و کمتر نیاز روانی به روابط فرازنشویی احساس می‌کنند. افراد با سبک دلبستگی ایمن معمولاً در روابط خود احساس امنیت و اعتماد می‌کنند و کمتر به دنبال روابط جایگزین هستند. این افراد به دلیل داشتن بازنمایی‌های ذهنی مثبت از روابط، معمولاً روابط زناشویی پایدارتر و رضایت‌بخش‌تری دارند. علاوه بر این باید ذکر نمود که کسانی که در دوره کودکی دلبستگی مضطرب و ناایمنی را از خود نشان داده‌اند، همواره چنین نگرشی دارند که ممکن است افراد نزدیکشان به اندازه‌ای که آنها مایلند، واقعاً آن‌ها را دوست نداشته باشند (موسلی و پارکر، ۲۰۲۴). این افراد در عین حالی که تمایل دارند با اطرافیان خود کاملاً یکی باشند، اما مضطرب، مردد و بی‌ثباتند که این روند به کیفیت روابط زناشویی آنان آسیب جدی وارد ساخته و ادراک آنان از امنیت خانواده‌گی و زناشویی را متاثر ساخته و باعث می‌شود آنان گرایش بیشتری برای روابط دیگر همانند روابط فرازنشویی داشته باشند. علاوه بر این افراد با سبک دلبستگی اجتنابی ممکن است به دلیل نیاز به تأیید و توجه بیشتر و همچنین ترس از طرد شدن، بیشتر به روابط فرازنشویی روی بیاورند. در نهایت باید گفت افراد با سبک دلبستگی اجتنابی معمولاً از صمیمیت عاطفی اجتناب می‌کنند، به استقلال بیش از حد تأکید دارند و در برقراری روابط عمیق و پایدار مشکل دارند. این ویژگی‌ها می‌تواند آن‌ها را مستعد گرایش به روابط فرازنشویی کند. چنانکه افراد با دلبستگی اجتنابی از وابستگی عاطفی عمیق می‌ترسند و معمولاً روابط نزدیک را محدودکننده می‌دانند. از آنجا که روابط متعهدانه (مانند ازدواج) نیازمند صمیمیت و مسئولیت‌پذیری است، این افراد ممکن است برای فرار از تعهد، به روابط فرازنشویی روی آورند که معمولاً سطحی‌تر و

کم‌مسئولیت‌تر هستند. این افراد اغلب استقلال را به قیمت طرد شدن یا کنترل شدن حفظ می‌کنند. در روابط فرازنشویی، می‌توانند بدون احساس وابستگی، به رابطه جنسی یا عاطفی بپردازند و در عین حال از تعهدات یک رابطه رسمی دوری کنند. چنانکه به جای حل مشکلات در رابطه اصلی (مثلاً با همسر)، ترجیح می‌دهند از مواجهه با مسائل اجتناب کنند. روابط خارج از تعهد راهی برای فرار از مواجهه با این مشکلات و کاهش موقت تنش‌های عاطفی است. در تبیین اثر دلبستگی دوسوگرا بر گرایش به روابط فرازنشویی نیز می‌توان بیان نمود که افراد با دلبستگی دوسوگرا به‌طور معکوس تحت تأثیر قرار می‌گیرند و به لحاظ ارتباطات اجتماعی و خانوادگی، فاصله می‌گیرند، همچنین آنان در کی منفی از روابط خود دارند و سطوح پایین‌تری از اعتماد، صمیمیت و تعهد را نشان می‌دهند (عارفی و خوشبخت، ۱۴۰۱). این روند سبب می‌شود تا آنان کاستی‌های خود در برقراری ارتباط سازنده با همسرشان را در قالب خود ترس از صمیمیت، نشان داده که به شکل معمول این فرایند سبب کاهش آرامش روانی، سلامت روان و کیفیت ارتباط زناشویی آنان شده و زمینه را برای کاهش روابط زناشویی لذت‌بخش مهیا ساخته و در نتیجه تمایل به روابط فرازنشویی در آنان فزونی می‌یابد. **در نهایت باید گفت افراد با دلبستگی دوسوگرا از رابطه اصلی معمولاً رضایت ندارند** این افراد اغلب توقع عاطفی بسیار بالایی از شریک زندگی خود دارند (مثلاً انتظار دارند شریکشان همیشه نیازهایشان را پیش‌بینی کند). وقتی این انتظارات برآورده نمی‌شود، احساس ناکامی کرده و ممکن است برای پر کردن این خلأ عاطفی به سمت روابط خارجی گرایش پیدا کنند. محدود بودن دامنه تحقیق به افراد متأهل (زن و مرد) ساکن در منطقه ۷ شهر تهران و وجود برخی متغیرهای کنترل نشده، مانند وضعیت مالی خانواده‌ها، موقعیت اجتماعی آنها و بلوغ اجتماعی افراد متأهل حاضر در پژوهش از محدودیت‌های این پژوهش بود. **علاوه بر این** نمونه‌گیری به‌صورت در دسترس و غیرتصادفی انجام شد که ممکن است تعمیم‌پذیری نتایج محدود شود. استفاده از پرسشنامه‌های خودگزارشی (مثل سبک‌های

بدین وسیله از تمام افراد حاضر در پژوهش که همکاری کاملی جهت اجرای پژوهش داشتند، قدردانی به عمل می آید.

ملاحظات اخلاقی

به منظور رعایت اخلاق تحقیق، رضایت افراد حاضر در پژوهش برای شرکت در پژوهش اخذ شد. همچنین به آنان اطمینان داده شد که اطلاعات آنها محرمانه خواهد ماند و نیازی به ذکر نام خود در پرسشنامه ها نیست. علاوه بر این هیچگونه اجباری از طرف پژوهشگر برای حضور افراد در پژوهش وجود نداشت. تمامی شرکت کنندگان نیز از هدف برگزاری پژوهش حاضر و پاسخگویی به آزمون ها آگاه شدند. همچنین به شرکت کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات فقط برای اهداف پژوهشی استفاده شود و در اختیار افراد غیرمرتبط قرار نگیرد. در نهایت اگر در پژوهش همسر فرد نیز حضور داشت، به حقوق و حریم خصوصی او احترام گذاشته شده و اطلاعات جمع آوری شده محرمانه ماند.

حمایت مالی

هیچ سازمان دولتی و خصوصی از این پژوهش حمایت مالی نکرده است.

تعارض منافع

در این پژوهش هیچ تعارض منافی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

دلبستگی یا گرایش به روابط فرازناشویی) نیز دیگر محدودیت این پژوهش بود. چنانکه ممکن است پاسخ دهندگان تحت تأثیر سوگیری های پاسخ دهی (مانند تمایل به پاسخ های مطلوب اجتماعی) قرار گیرند. بنابراین پیشنهاد می شود برای افزایش قدرت تعمیم پذیری نتایج، در سطح پیشنهاد پژوهشی، این پژوهش در سایر شهرها و مناطق و جوامع دارای فرهنگ های متفاوت، دیگر گروه های سنی، بکارگیری روش نمونه گیری تصادفی، کنترل عوامل ذکر شده و همچنین بکارگیری دیگر روش های اندازه گیری همانند مصاحبه اجرا شود. با توجه به نقش میانجی معنادار سبک های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در رابطه بین روابط ابژه و گرایش به روابط فرازناشویی، می توان با تدوین و بکارگیری بسته آموزشی با محتوای آموزش های مبتنی بر دلبستگی در جهت کاهش گرایش به روابط فرازناشویی افراد متأهل قدم برداشت. همچنین پیشنهاد می شود رویکردی مثبت درباره افزایش آگاهی درباره پیشگیری از خیانت از طریق برنامه های تلویزیونی، پادکست ها، یا شبکه های اجتماعی اتخاذ شود.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد نویسنده اول مقاله در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات بود.

منابع

- اکرمی، ف.، محسن زاده، ف.، و زهرا کار، ک. (۱۴۰۱). فراتحلیل گرایش به روابط فرازناشویی بر اساس سبک های دلبستگی. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۳(۶)، ۳۲۹-۳۲۲.
- انصاری کلاچاهی، ف.، صادقی، ع.، و قربان پور لقمجانی، ا. (۱۴۰۱). بررسی نقش واسطه ای طرحواره های هیجانی در رابطه بین سبک های دلبستگی و ترومای کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی. نشریه رویش روان شناسی، ۱۱(۱۰)، ۴۷-۳۷.
- باشی عبدل آبادی، ح.، آهی، ق.، اصل ذاکر، م.، شهابی زاده، ف.، و نصری، م. (۱۴۰۱). بررسی نقش کیفیت روابط ابژه در رضایت زناشویی با میانجی گری نقش خود تمایز یافتگی و تنظیم شناختی هیجان. پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره، ۱۲(۲)، ۴۶-۲۵.
- بختیار، ا.، حسینی، س.، عارفی، م.، و افشاری نیا، ک. (۱۳۹۸). مدل علی روابط فرازناشویی بر اساس سبک های دلبستگی و طرحواره های ناسازگار اولیه: نقش واسطه ای صمیمیت زناشویی و سبک های عشق ورزی، آموزش بهداشت و ارتقای سلامت ایران، ۷(۲)، ۲۵۸-۲۴۵.
- خسرویگی، ع. ا.، آقاویوسفی، ع.، و صبحی قراملکی، ن. (۱۳۹۹). بررسی مدل پیش بینی همدلی زناشویی بر اساس روابط ابژه با در نظر گرفتن نقش میانجی سبک های دلبستگی در افراد متأهل. مجله سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۴(۴)، ۲۸۷-۲۷۸.
- عارفی، م.، و خوشبخت، ش. (۱۴۰۱). مدل پیش بینی روابط فرازناشویی بر اساس سبک های دلبستگی با میانجی گری مدیریت تعارض و بخشودگی. مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۶۵(۴)، ۱۹۵۲-۱۹۶۰.

- غلامیان، پ. و هوشیاری، ج. (۱۴۰۲). پیش‌بینی روابط فرازنشویی بر اساس روابط آبه و مرزهای زوجینی با میانجی‌گری احساس تنهایی در زنان متأهل. *مجله تحقیقات روان شناسی ایران*، ۲۱(۲)، ۱۲۳-۱۴۵.
- فخری، م.، مهدویان فرد، ر. و کیمیایی، س.ع. (۱۳۹۷). پیش‌بینی احتمال طلاق زنان بر اساس دلبستگی اجتنابی، دلبستگی اضطرابی و مهارت حل مساله خانواده. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۹(۳۳)، ۲۰۷-۲۲۲.
- کریمی، س.، یوسفی، ر. و سلیمانی، م. (۱۳۹۸). رواسازی پرسشنامه خیانت زناشویی، فصلنامه روانشناسی بالینی و شخصیت، ۱۷(۱)، ۲۳۷-۲۴۸.
- مطهری‌راد، م. (۱۴۰۱). بررسی نقش روابط ساختاری بین دلبستگی ناایمن، روابط آبه درونی‌شده و گرایش به روابط فرازنشویی با نقش واسطه‌ای احساس تنهایی و تحمل پریشانی. *نشریه روان شناسی بالینی*، ۸(۳)، ۲۴-۱۱.
- منصوری، ز.، باقری، ف.، درتاج، ف. و ابوالمعالی، خ. (۱۳۹۹). ارائه الگوی ساختاری پیش‌بینی صمیمیت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری مولفه تعهد عشق‌ورزی در دانشجویان متأهل، *مجله علوم روانشناختی*، ۱۹(۸۵)، ۹۰-۸۱.
- وجدانی، ش.، کرمی، م. و احمدی، ص. (۱۳۹۹). بررسی نقش تعدیل‌گری باورهای مذهبی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با نگرش به خیانت در زنان متأهل. *مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان*، ۱۸(۲)، ۱۹۳-۲۲۰.
- Aignesberger, V., Greitemeyer, T. (2024) Morality in romantic relationships: The role of moral disengagement in relationship satisfaction, definitions of infidelity, and committed cheating, *Personal Relationships*, 12, 1-22.
- Bell, M.D. (1995). Bell Object Relation and Reality Testing Inventory (MORRTI). *Western Psychological Services*, 1-7.
- Bibi, M., Rafique, R., Nazir, A., Zahid, H., Mukhtar, S., & ul Huda, N. (2024). Perceptions of married adults regarding extramarital affairs in Lahore, Pakistan. *Human Nature Journal of Social Sciences*, 5(2), 334-346.
- Candel, O. S., & Turliuc, M. N. (2019). Insecure attachment and relationship satisfaction: A meta-analysis of actor and partner associations. *Personality and Individual Differences*, 147, 190-199.
- Uğur, B.G., Tolan, O.C. (2024). The examination of mediating role of mindfulness in the relation between marriage role expectations, forgiveness and marital adjustment. *Current Psycholgy*, 43, 36566-36585.
- Hosseini, F., Vakili, P., Abolmaali Alhosseini, K.H. (2021). Comparison of the effectiveness of couple therapy based on object relationships and solution-oriented couple therapy on the emotional expression of spouses with marital conflict . *Applied Family Therapy Journal*, 2(1), 108-125. <https://doi.org/10.61838/kman.aftj.2.1.6>
- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58(4), 644-663.
- Dall'Agnola, J., & Thibault, H. (2021). Online temptations: Divorce and extramarital affairs in Kazakhstan. *Religions*, 12(8), 654-658.
- Ghiasi, N., Rasool, D., Haseli, A., Feli, R. (2024). The interplay of attachment styles and marital infidelity: A systematic review and meta-analysis. *Heliyon*, 10(1), 232-236.
- Hibbard, S., Porcerelli, J., Kamoo, R., Schwartz, M., & Abell, S. (2022). Defense and object relational maturity on Thematic Apperception Test scales indicate levels of personality organization. *Journal of Personality Assessment*, 72(3), 241-253.
- Körner, R., Schütz, A., Fincham, F.D. (2023). How secure and preoccupied attachment relate to offence-specific forgiveness in couples. *Journal of Research in Personality*, 101, 1043-1048.
- Lee, W. J., & Lee, H.J. (2020). The effects of individuals' perception toward extramarital affair on the openness to extramarital sex: Focusing on double mediating effects of the acceptance toward extramarital relationship and unacceptance of spouse's extramarital relationship and moderation effect of marital status. *Journal of the Korea Convergence Society*, 11(8), 211-222.
- Lian, A.E.Z., Bono, S.A. (2024). Integrating object-relations and schema models to treat complex trauma: A case study of splitting and integrating traumatic experiences. *European Journal of Trauma & Dissociation*, 8(2), 1004-1008.
- Liao, S., & Ling, Q. (2022). The "Little Third": Changing images of women characters involved inextramarital affairs on Chinese TV. *Communication, Culture and Critique*, 15(3), 355-371.
- Miranda, B., & Rodrigues, M. (2015). The Physician Quality of Life: Relationship with Ego Defense Mechanisms and Object Relations. *Comprehensive Psychiatry*, 63, 22-29.
- Mosley, M.A., Parker, M.L. (2024). The phubbing problem: A dyadic exploration of the moderating role of partner phubbing on attachment and couple satisfaction. *Computers in Human Behavior*, 149, 1079-1085.
- Rosaline, S., & Kasaraneni, H. (2024). Surge in extramarital affairs during work from home: What we know so far. *The Family Journal*, 32(1), 95-101.

- Schmidt, A., Green, M., Sibley, D., & Prouty, A. (2016). Effects of parental infidelity on adult children's relational ethics with their partners: A contextual perspective. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 15(3), 193-212.
- Sekmen, S., Urganci, B., & Ozkan, A. (2021). The relationship between attachment anxiety and infidelity behaviors: The mediating role of fear of loneliness. *Journal of Social and Personal Relationships*, 38(6), 64-80.
- Sinclair, B., Carpenter, S.J., Cowie, K.E., Allen, K.D., Haggerty, C.J. (2023). A critical review of the Social Cognition and Object Relations Scale–Global and Thematic Apperception Test in clinical practice and research: Psychometric limitations and ethical implications. *Psychological Assessment*, 35(9), 778-790.
- Tajbakhsh, G. (2021). Analysis of the underlying factors of extramarital affairs. *Woman in Development & Politics*, 19(4), 595-614.
- Xiong, L., Zhou, C., Yan, L., & Zhao, P. (2022). The relationship between avoidant attachment and marital satisfaction in married Chinese individuals: The mediating role of spousal support. *Journal of Family Psychology*, 36(4), 523-535.
- Yeniceri, Z., & Kökdemir, D. (2006). University students' perceptions of, and explanations for, infidelity: The development of the Infidelity Questionnaire (INFQ). *Social Behavior and Personality: An International Journal*, 34(6), 639-650.
- Zhang, H. (2019). Association between parental marital conflict and Internet addiction: A moderated mediation analysis. *Journal of Affective Disorders*, 22(3), 27-32.

Original Article

Model Evaluation of Tendency to Extramarital Relationships Based on Object Relations Mediated by Attachment Styles in Married Individuals

Received: 17/10/2023 - Accepted: 10/01/2024

Shahin Sheibani¹
Masomeh Sadat Abtahi^{2*}
Mahdi Khasmohammadi³

¹ *Ma in Family Counseling, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.*

² *Assistant Professor, School and Educational Innovations Department, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding author)*

³ *Assistant Professor, Counseling Department, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.*

Email: m.abtahi2030@gmail.com

Abstract

Introduction: Considering the role of extramarital relationships in destroying the family unit and also causing psychological and emotional harm to couples, it is important to identify the underlying factors behind the tendency towards these relationships. Accordingly the objective of the present study was the model evaluation of tendency to extramarital relationships based on object relations mediated by attachment styles in married individuals.

Methods: The research is applicative and the research method was correlational through structural equations modeling. The statistical population included married individuals (men and women) living in District 7 of Tehran in 2022, from whom 280 individuals were selected using convenience sampling. The research tools included Tendency to Extramarital Relationships Questionnaire (TERQ), Object Relations Questionnaire (ORQ) and Attachment Styles Questionnaire (ASQ). The data analysis was conducted through structural equations modeling via SPSS and Amos versions 23.

Results: The results showed that the structural model of the research fits the collected data. The results also showed that object relations have a significant effect on secure, avoidant, and ambivalent attachment styles and the tendency to extramarital relationships in married individuals ($p=0.001$). In addition, secure, avoidant, and ambivalent attachment styles also have a significant effect on the tendency to extramarital relationships in married individuals ($p=0.001$). Finally, secure, avoidant, and ambivalent attachment styles significantly mediate the relationship between object relations and the tendency to extramarital relationships in married individuals ($p=0.001$).

Conclusion: According to the results of the present study, it can be said that object relationships can have a significant effect on the formation of extramarital relationships, but secure, avoidant, and ambivalent attachment styles, in addition to having a significant effect on tendency to extramarital relationships, can also play a mediating role in the relationship between the variables of this study. Accordingly, developing and implementing an educational package with attachment-based training content can be effective and useful in reducing the tendency to extramarital relationships of married individuals.

Keywords: Tendency to Extramarital Relationships, Object Relations, Attachment Styles, Married Individuals